



نفی دروغ در قرآن؛ نگاهی به وجوه الهیاتی دروغگویی

دروغ ممکن است دروغگو را به منفعت بیشتری برساند، اما دروغ در زندگی ایمانی نفی شده است. بیشترین میزان دروغی که در قرآن نکوهش شده است مربوط به تکذیب جهان آخرت است و به نظر می‌رسد این دو به هم مرتبط باشند.

دروغ ممکن است دروغگو را به منفعت بیشتری برساند، اما دروغ در زندگی ایمانی نفی شده است. بیشترین میزان دروغی که در قرآن نکوهش شده است مربوط به تکذیب جهان آخرت است و به نظر می‌رسد این دو به هم مرتبط باشند.

دروغ و دروغ‌گویی از صفات نکوهیده قرآنی است و آیات زیادی در این زمینه وجود دارد، اما دروغ چرا و چگونه می‌تواند زندگی ما را تباه کند؟ شاید آیات قرآن در این خصوص بتواند در این زمینه به ما کمک کند. دروغ و کذب از سوی قرآن نفی شده است و آیات فراوانی در این مسئله وجود دارد. در کتاب‌الله دروغ گناه آشکار عنوان شده است. آنچه در قرآن و در خصوص نفی این رذیلت جالب توجه است، وجهی است که خداوند بین دروغ و نفع شخصی برقرار کرده است. به نظر می‌رسد تصور مادی از منفعت و نفی و دروغ خواندن جهان‌بینی الهی ارتباط وجود داشته باشد.

دروغ و منفعت

بسیاری از افراد برای رسیدن به منفعت شخصی دروغ می‌گویند، از این‌رو دروغ و ریا را می‌توان در یک معنا دانست. اما چرا دروغ ممکن است باعث شود تا فردی به منفعت برسد. فرد بر اساس داده‌هایی که از جهان خارج می‌گیرد تصمیم می‌گیرد و همه این داده‌ها و اطلاعات صرفاً از جهان واقع داده نمی‌شود و فرد مجبور است تا بسیاری از اطلاعات خود را از منابع انسانی بگیرد.

انسان‌ها با تعیین یک نظم به تثبیت امور و قابل پیش‌بینی ساختن آن می‌پردازند، اما همواره نمی‌توان ضمانت هر کاری را تامین کرد و باید در بسیاری از اوقات به افراد اطمینان کرد و همین خواستگاه دروغ می‌تواند باشد. فرد می‌تواند با دادن اطلاعات نادرست زمینه نفع شخصی را فراهم کند.

در نظام‌های اخلاقی، دروغ یکی از رذایل اخلاقی خوانده شده است، اما برای یک فرد بی‌اخلاق این کار ابزاری است برای رسیدن به منفعت شخصی. فرد مادامی که بتواند از دستگیری توسط دولت به عنوان ضامت تعهدات یا هر ضامن دیگری در امان باشد، می‌تواند دروغ‌گو باشد. به نظر می‌رسد منفعت مادی با دروغ قابل حصول باشد. برای فردی که بزرگترین هدفش رسیدن به منفعت مادی است، فرار از عقوبات مادی و قانونی محتمل می‌تواند توجیهی برای این مساله باشد. اما آیا منفعت مادی تنها منفعتی است که فرد می‌تواند از زندگی کسب کند؟

دروغ و حقیقت

دروغ از منظر دینی یکی از گناهان کبیره است، دروغ‌گویی به ظاهر می‌تواند باعث شود تا فرد به نفعی شخصی دست یابد، اما در واقع دروغ در مقابل منفعت حقیقی شخص است، منفعتی که ورای زندگی مادی در انتظار اوست. دروغ ابزاری برای منفعتی است که در واقع ضرر است. «أُولَئِكَ الَّذِينَ حَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَکْتُمُونَ: اینانند که به خویشتن زیان زده و آنچه را به دروغ بر ساخته بودند از دست داده‌اند» (هود، 21).

در آیه‌ای دیگر دروغ و مال حرام در کنار هم آمده است و این نشان از ارتباط منفعت نادرست و حرام و دروغ‌گویی است، «سَمَاعُونَ لِلْکَذِبِ أَكَالُونَ لِلْسُّخْتِ فِینَ جَاؤُوكَ فَاحْکَمْ بَیْنَهُمْ أَوْ أَعْرَضْ عَنْهُمْ وَإِن تُعْرَضْ عَنْهُمْ فَلَن یَضْرُوکَ شَیْئًا وَإِن حَکَمْتَ فَاحْکَمْ بَیْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الْمُقْسِطِینَ: پذیرا و شنوای دروغ هستند [و] بسیار مال حرام می‌خورند پس اگر نزد تو آمدند [یا] میان آنان داوری کن یا از ایشان روی برتاب و اگر از آنان روی برتابی هرگز زیانی به تو نخواهند رسانید و اگر داوری می‌کنی پس به عدالت در میانشان حکم کن که خداوند دادگران را دوست می‌دارد» (مائده، 42).

دروغ و الهیات

بسیاری از آیات قرآن که در خصوص دروغ آمده است در نسبت با الهیات قرار می‌گیرد. در این دسته از آیات خداوند کسانی را که جهان دیگر و دین را دروغ خوانده‌اند، مذمت می‌کند. در آیه 33 سوره مومنون می‌خوانیم: «وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ الذِّینِ کَفَرُوا وَکَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِی الْحَیَاةِ الدُّنْیَا مَا هَذَا إِلَّا بَشْرٌ مِّثْلَکُمْ یَأْکُلُ مِمَّا تَأْکُلُونَ مِنْهُ وَیَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ: و اشراف قومش که کافر شده و دیدار آخرت را دروغ پنداشته بودند و در زندگی دنیا آنان را مرفه ساخته بودیم، گفتند این [مرد] جز بشری چون شما نیست از آنچه می‌خورید می‌خورد و از آنچه می‌نوشید می‌نوشد». در این آیه، اشراف قوم نوح که کافر بودند دیدار آخرت را دروغ پنداشته‌اند و این تکذیب ریشه در فریب توسط دنیا دانسته می‌شود.

دنیا، آخرت و الهیات

آنچه در دروغ مشترک است، تلاش برای رسیدن و تثبیت زندگی دنیایی است، معتقدان به منفعت مادی به خاطر آن پا روی حقیقت می‌گذارند. در تبیین الهیاتی دروغ، دروغگو می‌کوشد با ساختن جملاتی واقع‌نما حقی را ناحق کند. این تنها وقتی ممکن است صورت بگیرد که او در واقع وعده و وعید دینی را نادیده بگیرد و در واقع آن را دروغ بشمارد. به نظر می‌رسد دروغ دانستن اعتقادات دینی ناظر بر وجود جهانی دیگر پایه و مبنایی برای ساختن یک زندگی دروغین باشد، زندگی که در آن دروغگو دیگران را می‌فریبد تا بهره بیشتری را از این جهان از آن خود کند.

«قُلْ هَلْ مَشَّاهْتُمْ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَذَا فَإِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدُوا مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ يَرْبَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَغْدِلُونَ: بگو گواهان خود را که گواهی می‌دهند به اینکه خدا اینها را حرام کرده بیاورید پس اگر هم شهادت دادند تو با آنان شهادت مده و هوس‌های کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند و کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند و [معبودان دروغین را] با پروردگارشان هم‌تا قرار می‌دهند پیروی مکن.» (انعام، 105) به نظر می‌رسد تکذیب و دروغ‌خواندن الهیات صرفاً به ادعاهایی متافیزیکی نمی‌انجامد و مبنایی برای زندگی است که در حق و باطل خلط شده است.